

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar» .
منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچیلا «2025-09-19» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

تحریم چابهار یک اقدام استراتژیک از سوی آمریکا است

Chabahar sanctions is a strategic move by US



بندر چابهار ایران، عکس فایل

کتاب مقدس می گوید خدا می دهد و خدا می گیرد. اعلامیه وزارت امور خارجه ایالات متحده مبنی بر اعمال مجدد تحریمها علیه پروژه بندر چابهار هند در ایران با این ضربالمثل کتاب مقدس مطابقت دارد، اگرچه از دیدگاه الهیاتی، ایوب ممکن است این سخنان را در لحظه ای از پریشانی بزرگ که متحمل خسارات ویرانگری از جمله ثروت و فرزندانش شده بود، اما هنوز به دامنه کامل نبرد معنوی که در آن بود، پی نبرده بود، بیان کرده باشد.

همانطور که مجله خبری طرفدار دولت، سواراجیا، نوشته است، بندر چابهار برای هند «چیزی بیش از یک پروژه سرمایه گذاری» است. این مجله جناح راست توضیح می دهد که «از آنجایی که این بندر پاکستان را دور می زند، یک نقطه دسترسی حیاتی به افغانستان و آسیای مرکزی است و با کریدور حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب که به روسیه و اروپا می رسد، یکپارچه شده است. هند قبلاً از آن برای ارسال کمک های غذایی و تدارکات به افغانستان استفاده کرده است.»

«این بندر همچنین در رقابت هند با چین نقش دارد. چابهار تنها ۱۴۰ کیلومتر از گوادر، بندر پاکستان که توسط پکن توسعه یافته است، فاصله دارد.» دسترسی محدود به اینجا می تواند توانایی هند را برای مقابله با نفوذ چین در منطقه دریای عرب کاهش دهد...

سواراجیا نوشت: «با لغو معافیت در حال حاضر، ایالات متحده هند را با وظیفه دشوار محافظت از سهم مالی خود در عین مدیریت روابط با واشنگتن، تهران و سایر شرکای منطقه ای روبرو کرده است.»

با این حال، آنچه در اینجا مطرح است، عقب نشینی ترامپ ۲۰٪ از تصمیم ترامپ ۱۰٪ در نوامبر ۲۰۱۸ برای اعطای معافیت از تحریم ها برای عملیات هند در بندر استراتژیک چابهار ایران، یک تغییر اساسی است. اگرچه واشنگتن آن را به عنوان یک استراتژی «فشار حداکثری» علیه ایران معرفی می کند، نکته این است که ترامپ ۲۰٪ موضع آشکارا غیردوستانه دیگری از «تحریم های ثانویه» نسبت به هند اتخاذ کرده است.

شاید، محوریت افغانستان در استراتژی منطقه ای ایالات متحده در مقایسه با سال ۲۰۱۸ کاهش یافته باشد. این کشور دیگر یک کشور دست نشانده نیست که در بخش مراقبت های ویژه بستری بود و به دسترسی به بازار جهانی نیاز داشت. از قضا، فرماندهان پنتاگون بی سروصدا ایده حفظ ارتباط هند با افغانستان از طریق چابهار را ترویج کردند و حتی یک مجمع مشاوره سه جانبه بین ایران، افغانستان و هند را ترویج دادند. امروز، برعکس، این ماتریس به طور اساسی تغییر کرده است - ایالات متحده از افغانستان بیرون رانده شده و به دنبال جایگزینی است؛ دهلی با طالبان سر و کار دارد و مهم تر از آن، گرایش به سمت آمریکا در سیاست افغانستان خود را کنار گذاشته و هماهنگی خود را با تهران و مسکو در مقطعی که روابط ایران و روسیه معنای استراتژیک بی سابقه ای به خود گرفته است، از سر گرفته است؛ و کاملاً قابل تصور است که چابهار ممکن است به رکن اصلی ادغام اوراسیای هند تبدیل شود.

مطمئناً، بندر چابهار یکی از موارد کلیدی دستور کار در سفر آتی علی لاریجانی، مشاور امنیت ملی ایران (چهره سیاه سیاست ایران) به دهلی خواهد بود. لاریجانی، یک دولتمرد زیرک، اخیراً توسط ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در کرملین - و در واقع توسط همتای هندی او، اجیت دووال - مورد استقبال قرار گرفت. سایه هایی از یک

مجتمع مشترک روسیه - ایران - هند؟ در پس‌زمینه توافق بزرگ اخیر روسیه و چین برای خط‌لوله گاز (که به عنوان قدرت سیبری-۲ شناخته می‌شود)، ناظران منطقه‌ای به پیامدهای استراتژی انرژی «نگاه به شرق» روسیه توجه کردند و یک شبکه خط‌لوله گاز نهایی از کشورهای منطقه‌ای را تصور کردند که بازار وسیع هند را نیز از طریق آسیای مرکزی و ایران به هم متصل می‌کند. در واقع، این می‌تواند یک رویداد مهم در ژئواستراتژی باشد - شبکه‌ای که ابرقدرت انرژی جهان را با دو بازار بزرگ انرژی متصل می‌کند و به قرن آسیا استحکام می‌بخشد و الگوریتم سیاست جهانی را بازنویسی می‌کند.

مقاله اخیری در مورد این موضوع به تاریخ ۵ سپتامبر توسط مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن دی‌سی با عنوان «چگونه توافق قدرت سیبری ۲ می‌تواند انرژی جهانی را تغییر شکل دهد» منتشر شده است.

در آشکارترین سطح، ایالات متحده روسیه را رقیبی برای صادرات انرژی خود به بازار آسیا می‌بیند. گزارش CRS کنگره ایالات متحده با عنوان «قدرت سیبری ۲: خط‌لوله دیگری از روسیه-چین» می‌گوید: «با این حال، اگر چین عرضه گاز طبیعی از طریق خط‌لوله را افزایش دهد، می‌تواند قراردادهای بیشتر LNG [با شرکت‌های نفتی آمریکایی] را محدود کند. در حالی که چین حدود ۴٪ از کل صادرات LNG ایالات متحده را تشکیل می‌دهد، PS-2 [قدرت سیبری-۲] می‌تواند موقعیت چانه‌زنی چین را با تامین‌کنندگان LNG، از جمله تامین‌کنندگان آمریکایی، از جمله ایالات متحده، تقویت کند. با عرضه مداوم گاز طبیعی از طریق خط‌لوله از روسیه، مذاکره برای شرایط سودآور برای قراردادهای بلند مدت LNG برای تامین‌کنندگان آمریکایی دشوار خواهد بود.»

اگر چین را با هند جایگزین کنیم، سناریوی نوظهور حضور روسیه در بازار رو به رشد انرژی آسیا برای استراتژیست‌های کاخ سفید که به محکم کردن جایگاه هند در آمریکا امیدوار بودند، بسیار نگران‌کننده می‌شود. استراتژیست‌های آمریکایی تخمین می‌زنند که پروژه:

«قدرت سیبری-۲» نشانه‌ای است مبنی بر اینکه روسیه در مسیر استراتژیک کردن قصد خود برای اولویت دادن به بازار انرژی آسیا-اقیانوسیه و در عین حال پشت کردن به اروپایی‌هایی است که از دوران شوروی در دهه ۱۹۷۰، از نظر تاریخی، تکیه‌گاه اصلی صادرات انرژی روسیه بوده‌اند. «قدرت سیبری-۲» آخرین خنده پوتین است، زیرا در مرحله اول، سالانه ۵۰ میلیارد متر مکعب گاز را از شبه‌جزیره یامال روسیه به شمال چین از طریق شرق مغولستان منتقل خواهد کرد. این میدان‌های گازی در ابتدا برای تأمین خط‌لوله نورد استریم ۲ به اروپا در نظر گرفته شده بودند، اما توسط دولت بایدن در سال ۲۰۲۲ در یک عملیات مخفیانه با عوامل اوکراینی برای مختل کردن محور استراتژیک روسیه با آلمان و تبدیل ابرقدرت اتحادیه اروپا به مصرف‌کننده گاز طبیعی مایع آمریکا، نابود شدند. همین بس که گفته شود، تخمین زده می‌شود که شرکت‌های بزرگ نفتی با

فروش گاز به بازار اروپا در طول دوره ۳ ساله جنگ اوکراین، سود بادآورده‌ای بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار به دست آورده‌اند، آن هم با قیمتی باورنکردنی که سه برابر بیشتر از قیمتی بود که به مصرف‌کنندگان داخلی آمریکا می‌فروختند!

متاسفانه، استراتژیست‌های هندی مانند کسانی رفتار می‌کنند که گل نیلوفر آبی را می‌خورند. با حذف معافیت تحریم‌های سال ۲۰۱۸ برای پروژه چابهار هند، دولت ترامپ قصد دارد روابط هند و ایران را پیچیده‌تر کند و در نهایت چشم‌انداز یک مسیر زمینی به همسایگی گسترده هند برای تأمین انرژی روسیه/ایران را از بین ببرد. بنابراین، این به بخش حیاتی استراتژی ترامپ برای فشار آوردن به هند برای خرید بیشتر انرژی از آمریکا تبدیل می‌شود.

نیازی به گفتن نیست که تحریم‌های ایالات متحده علیه چابهار، ظرفیت هند را برای حضور مؤثر در آسیای مرکزی با همکاری روسیه و ایران فلج خواهد کرد. این یک اقدام غیردوستانه است که با ادعاهای گراف ترامپ مبنی بر دوستی با نخست وزیر مودی در سطح شخصی و غیره مغایرت دارد و جالب اینجاست که این اقدام در زمانی صورت می‌گیرد که مذاکرات تجاری ایالات متحده و هند ظاهراً به مراحل پایانی خود رسیده است.

آمریکایی‌ها این اقدام را به سختی در عرض یک یا دو ماه پس از پیشنهاد هند در جلسه کمیسیون مشترک اقتصادی روسیه و هند در مسکو مبنی بر نتیجه‌گیری سریع از مذاکرات جاری برای توافق تجارت آزاد بین هند و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه، انجام داده‌اند. نکته قابل توجه این است که سفر جایشانکار به مسکو در پایان ماه اوت به عنوان یک لحظه محوری در استقلال استراتژیک هند و تعهد به حفظ روابط قوی با روسیه علیرغم فشارهای خارجی مورد توجه قرار گرفت.

با توجه به پیمان دفاعی اخیر عربستان سعودی و پاکستان که توسط فرماندهی مرکزی ایالات متحده با تأیید مورد توجه قرار گرفته است، تحریم‌ها علیه مشارکت هند و ایران را تنها می‌توان به عنوان یک گام حساب‌شده در یک استراتژی مهار با هدف جلوگیری از دسترسی هند به سرزمین‌های وسیع اوراسیا که می‌تواند عمق استراتژیک برای آن فراهم کند، و در عوض منزوی کردن آن در شبه قاره آسیای جنوبی دانست. ایالات متحده مصمم است به افغانستان بازگردد و برای احیای حضور اطلاعاتی خود با MI6 همکاری نزدیکی دارد. نکته قابل توجه این است که افشای چشمگیر ترامپ مبنی بر اینکه ایالات متحده خواستار کنترل پایگاه نظامی دوران شوروی در بگرام است، پس از مذاکرات او در لندن با نخست وزیر بریتانیا، کی‌یر استامر، صورت گرفت.

کافی است بگوییم که داستان واقعی در تحریم‌های پروژه چابهار هند، پیامی است که از رویدادهای تاریخی دو هفته پیش در تیانجین و پکن به دست می‌آید، رویدادهایی که به نوبه خود تجدید نظر یا تنظیم مجدد سیاستی را که به طور جدی با میزبانی ترامپ از ضیافت شام برای ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، در ماه ژوئن در کاخ سفید آغاز شده

بود، تسریع کرد. ضمناً، ترامپ هفته آینده دوباره در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک با ژنرال منیر دیدار خواهد کرد.

ترامپ به این نتیجه رسیده است که پاکستان فقط می‌تواند در غرب آسیا و خاورمیانه بزرگ، از جمله افغانستان، چیزهایی را که برای ایالات متحده اهمیت حیاتی دارند، ارائه دهد. عزیر یونس در مرکز آسیای جنوبی شورای آتلانتیک در تحلیلی درخشان با عنوان «ایالات متحده در حال بازنگری در پویایی هند و پاکستان است» در مجله دیپلمات می‌نویسد: «به همین ترتیب، تعامل با پاکستان از دریچه دیگری دیده می‌شود، جایی که همسویی منافع واضح‌تر از دهه‌های گذشته است».

----- **با تقدیم احترامات «21-09-2025»**